

نقد و نظر

دیگته یا املا مسئله این است!

غلامحسین حسین زاده یوسفی
GH.hosseinzadeh@gmail.com



روش تعلیم و تربیت اسلام به تقلید از زمان پیغمبر اسلام (ص) شروع شد. به این معنی که پیغامبر هنگام جواب سؤالات اصحاب در مسجد مدینه می نشست و مردم برگرد او «حلقه» می زدند و سخنان او را می شنیدند و حفظ می کردند.

حلقه درس گاه بزرگ و زمانی کوچک بود و گاه در یک مسجد چند حلقه بر گرد چند استاد تشکیل می شد و هر حلقه منسوب به استادی بود که آن را ایجاد می کرد. گاه بر این حلقه ها نام «مجلس» اطلاق می شد و در این صورت هم آن را به نام استاد می خواندند.

استاد «املا» حدیث می کرد و املا اصطلاحاً به درسی گفته می شد که استادان در حلقه خود بیان می کردند به نحوی که شاگردان «مستمع» از آن یادداشت بردارند و یادداشت بردارنده را «مستمعی» می نامیدند. از طریق املا معمولاً کتاب هایی به دست می آمد که آن را «امالی» می خواندند.

«امالی» اصطلاحی است در فرهنگ اسلامی به ویژه در حوزه حدیث، فقه و ادب عرب و عنوانی است برای بعضی کتاب ها که مطالب آن به شیوه خاصی که از سخنان استادی شنیده شده، گردآوری و توسط مستمعان مکتوب می شود. به این صورت که مطالب را استاد یا شیخ، در مجلس های جداگانه روایت و املا می کند و شاگردان می نویسند. سپس نوشته را بر شیخ عرضه می دارند و اجازه روایت آن را از شیخ می گیرند. در پایان، مجموع مطالب دیکته شده در کتابی جمع آوری و نام آن را «مجالس» یا «امالی» می گذارند. برخی از مهمترین کتب امالی عبارتند از: ۱- امالی سید شریف ابومحمد ناصر کبیر (د ۳۰۴ هـ) ۲- امالی شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی معروف به «ابن بابویه» (د ۳۸۱ ق) ۳- امالی شیخ مفید (د ۴۱۳ ق) ۴- امالی سید شریف مرتضی علم الهدی حسینی موسوی (د ۴۳۶ ق) نام کتاب او عزرائف و درالقائد است که به عنوان «امالی سید مرتضی» یا «امالی المرتضی» شهرت دارد. ۵- امالی شیخ طوسی ابوجعفر محمد بن حسن (د ۴۶۰ ق).

یک زمان ذکر دوست کرد بیان ساعتی درس عشق کرد املا

(منسوب به ناصر خسرو)

امروزه املا، فقط به درست نوشتن تبدیل شده است. یعنی معلم از روی متن کتاب درسی می خواند و دانش آموزان باید، لغات مشکل درس را قبلاً حفظ کرده و با رعایت قواعد نگارش، درست بنویسند. در حالی که در گذشته هم معلم و هم دانش آموزان هدف شان از گفتن و نوشتن درس، یادگیری و فهم محتوای درس و تألیف متون بود. در حالی که مهارت در درست نوشتن، پس از تسلط و فهم درس به مرور ایجاد می شد. بنابراین به نظر می رسد در آموزش و پرورش امروزی که کتاب های درسی استاندارد ملی در دسترس همه دانش آموزان قرار دارد، نظر به اینکه، در حال حاضر استفاده از روش واحدی برای آموزش و ارزشیابی این درس مرسوم است، این سؤال مطرح می شود: آیا ادامه همین روش های مرسوم مورد تأیید است؟ یا باید در اهداف و شیوه های یادگیری آن تغییرات اساسی به وجود آید؟

هدف از درس املا چیست؟

چرا ما اصرار داریم دانش آموزان درست بنویسند؟ چرا دانش آموزان دوره های مختلف به مرور از مهارت درست نوشتن فاصله می گیرند؟ و در شرایط عملی و واقعی غالباً بی دقت و غلط می نویسند؟ البته از طریق معادل فارسی اصطلاح «املا» می توان فهمید که منظور از «دیگته» چیست! یعنی رعایت اصول و قواعد صحیح «درست بنویسم» و «پارسی را پاس بداریم». که البته برای ارایه محصول اندیشه خود یا درک یک شاهکار یا اثر ادبی یا برقراری ارتباط با دیگران، کاری صحیح، مقبول و قابل قبول است. ولی نه برای انتقال

کلمات لغت یا ترکیب روی تخته کلاس می نویسیم و پس از یک بار خواندن پاک می کنیم. متنی به صورت پلی کیبی تهیه و در اختیار دانش آموزان می گذاریم تا جاهای خالی را با کلمات شنیده شده پر کنند.

روش کامل کردنی بدون دادن کلمه. متن با جای خالی داده می شود و دانش آموز جاهای خالی را با توجه به متن درس کامل می کند.

۲. املا صحیح کردنی:

روش اول: متنی با حدود ۱۵ اشتباه املائی به دانش آموزان داده می شود و از آنها می خواهیم غلط ها را پیدا و درستش را بنویسند. به دانش آموزانی که بیشترین غلط را پیدا کند امتیاز می دهیم. (تقویت مهارت در دقت)

روش دوم: بعد از بیان دیکته معلم، دفتر بچه ها را عوض می کنیم.

روش سوم: دیکته پای تخته که به این ترتیب معلم با ضعف نوازش آشنا می شود.

۳. املا گروهی:

دانش آموزان در پایه اول و دوم، ۲ نفری و در پایه های دوم تا پنجم گروه های ۴ تا ۵ نفری. گروه ها با مشورت یکدیگر املا می نویسند و تصحیح آن برای معلم بسیار ساده و با سرعت انجام می گیرد.

۴. کارت بازی برای پایه سوم تا پنجم:

بچه ها به عنوان تکلیف شب با کلمات جدید درس، کارت های ۵×۵ تهیه و کلمه تازه را با مداد سیاه و معنی آن را با مداد قرمز روی کارت ها می نویسند و در ساعت دیکته معنی کلمه را به پشت می چینند. سرگروه کلمات جدید که با مداد سیاه نوشته شده را از دوستانشان می گیرد و به هر کدام ۱ کلمه می دهد و شروع به باری می کنند. هر دانش آموزی که بتواند برای کلمه دستش هم معنی اش را پیدا کند کارت دیگر از سرگروه تحویل می گیرد و هر دانش آموز که بتواند کلمه و معنی بیشتری پیدا کند یا جفت کارت بیشتری داشته باشد، برنده بازی است. این بازی جهت تقویت حافظه دیداری-شنیداری و دقت تمرکز است.

۵. جدول سازی:

به عنوان فعالیت خارج از کلاس و تکلیف شب می توانیم به مناسبت های مختلف جدول آماده به بچه ها بدهیم و بگوییم از کتاب فارسی برای جدول سؤال عید غدیر، رمضان، عید قربان طرح کنید و در جلسه املا برای جوابگویی، بچه ها جدول ها را با هم عوض و به سؤالات یکدیگر جواب بدهند. جدا کردن حروف و قرار دادن در جدول، خود در یادگیری مؤثر است.

پارسی فروم

http://forum.p30parsi.com

واحد برای درس املا، و به خصوص تنوع و عدم رعایت استانداردهای نگارش در متون غیر درسی، باعث شده ضمن این که دانش آموزان به مهارت لازم نرسند، رغبت کمتری برای تسلط بر درس بخوانیم و بنویسیم بیابند. در جدول ذیل من ادراک شخصی خود را روی روش های گذشته و حال فهرست کردم، در حالی که نسبت به هیچ کدام تسلط تخصصی ندارم! این ها را فهرست کردم که به کمک یکدیگر هم روش های گذشته و هم روش های حال را نقد کنیم و راهی برای گریز از این وضعیت پیدا کنیم.

چرا در روش «املا» از آن گذشته درخشان، کم کم به وضع حال رسیدیم؟

گذشته	حال
<ul style="list-style-type: none"> استاد، املا حدیث می کرد. شاگردان لزوماً از محتوا یا املا صحیح لغات یا اصطلاحات جدید، مطلع نبودند. الزامی برای درست نوشتن هم نبود. شاگردان گوش می دادند که یادداشت بر دارند. شاگردان برای تسلط و فهم خود مباحثه می کردند. شاگردان بر محتوای املا، حاشیه می زدند. شاگردان با سرعت یادداشت بر می داشتند و سپس آن را بازنویسی و تصحیح کرده و بر آن حاشیه می زدند یا نظر یا به نام استاد منتشر می کردند. شاگردان به نقد، تجزیه و تحلیل محتوای کتاب ها و تفسیر و توضیح مفاهیم و اصطلاحات جدید خود مسئول بودند. روی متون املائی نقدهای بی دربی اعمال می شد تا به مرور و در یک نظام پویا کامل گردد. بسیاری از متون جدید در نقد روی املائی های اولیه نگاهشده شد. درس ها با نظر استاد به هم مربوط می شد. متون استاندارد درسی، از طریق املائی شاگردان هر وقت آمادگی داشتند، شفاهاً مورد ارزیابی قرار می گرفتند. تأیید استاد برای تسلط بر فهم متن کافی بود. شاگرد خود را به سطح استاد می رساند وقتی از آن عبور می کرد، به استاد سطح بالاتری رجوع می کرد. در گذشته برای درست نوشتن یک متن املائی به کسی نمره یا رتبه نمی دادند. مجموعه ای از متون و محتوای مرتبط به هم مبنای رتبه شاگرد بود. در گذشته هم معلم و هم دانش آموز، هم نویسنده و هم خواننده طالب علم بودند. 	<ul style="list-style-type: none"> معلم از روی کتاب درسی املا می گوید. دانش آموزان باید قبلاً املائی صحیح لغات درس مورد نظر را حفظ کنند تا مانند کتاب صحیح بنویسند. دانش آموزان گوش می دهند، عین کتاب درست بنویسند. شاگردان لزوماً به فهم محتوا نیازی ندارند. احدی حق ندارد که چیزی در حاشیه کتاب درسی بنویسد. یا به متن املا بیفزاید. نیازی نیست پیرامون محتوای درس مطالعه کند یا با دیگران به مباحثه بپردازد. باید عین لغات را حفظ کرده و بنویسد. شاگردان باید بلافاصله پس از شنیدن، درست بنویسند. شاگردان به انتظار تصحیح املا می مانند. نمره نشانگر تسلط دانش آموزان در نوشتن صحیح عین محتوای کتاب درسی است. محتوا به صورت گلچینی از متون کلاسیک و جدید انتخاب و مبنای آموزش قرار می گیرد. دانش آموزان فقط باید آن را درست بنویسند. دانش آموزان باید یک سال تحصیلی با یک کتاب و یک استاد سر کنند. معلم و دانش آموزان باید خود را به حد استاندارد ملی برسانند. برای این منظور آزمون های استاندارد شده استفاده می شود. در آغاز قرن بیست و یکم، بعضی از معلمان برای کمک به تسلط شاگردان بر لغات مشکل درس، یا تضمین نتایج امتحانی درخشان، به آن ها تکلیف رونویسی می دهند! امروز دانش آموز جز رتبه های شاگرد ممتاز و اول کلاس و منطقه و استان و کنکور، متکی به نمره هیچ مهارتی برای درست نوشتن ندارد. امروزه معلم بر محتوای درس و قواعد درست نویسی تسلط دارد. این دانش آموز است که طالب نمره، قبولی در امتحان و رتبه است.

چرا این قدر بر «درست بنویسیم» بیشتر از «درست بفهمیم» تأکید می شود؟

در حالی که حساسیتی به درست بنویسیم، نیست. دانش آموزان همواره از خود می پرسند، فایده یادگیری این لغات و اصطلاحات قدیمی چیست؟ چقدر مهم است که بعضی کلمات را به هم بچسبانیم یا آن ها جدا بنویسیم؟ یا بالآخره تکلیف ما در کاربرد «همزه» چیست؟ چرا بین آن چه می شنویم، آنچه می نویسیم، آنچه می خوانیم و آنچه می فهمیم و آنچه را که نیاز است یاد بگیریم، تفاوت و فاصله وجود دارد؟ با وجودی که سال ها وقت گران بهای خود را صرف حفظ کردن لغات و اصطلاحات پیچیده می کنیم، چرا در فهم آثار و گنجینه های ادبی گذشته کشور مان و نوشتن منویات درونی مان و در برقراری ارتباط مکتوب، حتی بیان شفاهی مهارت کمتری داریم یا گاهی عاجزیم. در حالی که دایماً ادبیات فارسی می خوانیم و لغات مشکل را حفظ می کنیم و املا می نویسیم، ولی از اینکه از آنچه می شنویم به راحتی بنویسیم، می هراسیم.

نوشتن یک نامه، تنظیم یک ای میل، متن شکایت یا تقاضا برای مان مشکل است، ولی هر سال ساعت های زیادی صرف حفظ کردن لغات کتاب درسی می کنیم و دایماً به نمرات املائی خود می بالیم. چه مشکلی وجود دارد؟ چرا خواندن متون کلاسیک ادبی برای ما خسته کننده است. نوشتن اصطلاحات بیگانه و عبارات کلامی برای مان دشوار می نماید؟

امروزه، آن چه دانش آموزان می شنوند، فقط از محتوای درس ادبیات فارسی و از زبان معلم شان نیست. صداهای دیگری هم هست. مانند: صدای رادیو و تلویزیون، نوار صوتی و...، آن چه که یاد می گیرند یا آن چه را که نیاز دارند که بخوانند و بنویسند، فقط در کتاب های درسی شان وجود ندارد و آن چه را که باید بفهمند، لزوماً با این گنجینه محدود لغات کتاب های درسی میسر نیست و آن ها باید با عشق بشنوند، و با دقت مطالعه کنند و سپس در مجالی بفهمند و بتوانند به راحتی منویات خودشان را به دیگران منتقل کنند و باید بتوانند برای نیازهای روزمره خود با فوریت های نامه نگاری و با اصطلاحات حقوقی و بانکی و برای برقراری ارتباط به راحتی از قدرت زبان شیوا و غنای زبان فارسی استفاده کنند. آیا شما حاضرید که دغدغه تمام کردن کتاب درسی، کسب نتیجه در امتحان املا، و بالا و پایین شدن نمرات دانش آموزان را کنار بگذارید؟ نهراسید و تشدید، همزه و امثالهم را به انتهای کار

موکول کرده و برای یک بار هم شده به جای تمام کردن املائی کتاب درسی به فهم محتوای آن توسط دانش آموزان کلاس تان کمک کنید!

گاهی بچه ها به صدای معلم یا یکی از اولیای خود عادت می کنند، یعنی وقتی گوینده عوض می شود، قادر به نوشتن نیستند یا در سرعت نوشتن و درست نوشتن شان تفاوت های آشکاری مشاهده می شود. گاهی دانش آموزانی پیدا می شوند که خیلی کندتر از متوسط کلاس می نویسند یا دانش آموزانی که با اضطراب و ترس از عقب ماندن می نویسند. آیا به تفاوت های فردی دانش آموزان کلاس تان توجه کردید؟ آنهايي که با دست چپ می نویسند، آن هایی که صدای شما را تکرار کرده و می نویسند. آنهايي که عرق ریزان می نویسند. آیا قدرت شنوایی دانش آموزانتان را کنترل کرده اید؟ بچه های زیادی را می شناسم که درس املائی فارسی و دیکته انگلیسی شان زیاد هم قوی نبوده، ولی بدون کوچکترین دغدغه و اضطرابی و با سرعت باور نکردنی ای به نگارش و مبادله SMS یا Email با رسم الخط «فنگلیش» می پرداختند، چرا چون به جای توجه به موقع به این ضرورت زمان، ما مشغول تدریس و تصحیح املا و نگران رسم الخط درست بنویسیم، در مدارس مان بودیم. آن ها خیلی راحت می نوشتند، و پس از مدت اندکی پاسخ اش را می گرفتند، جالب اینکه هم گیرنده و هم فرستنده می فهمیدند که چه پیامی در حال رد و بدل شدن است، اما نگران غلط های املائی و نمره خودشان در مدرسه نبودند! ما دیدیم ولی نمی فهمیدیم، چرا نگران املائی صحیح کلمات نیستند! و چه دیر زیرساخت های مبادله پیام الکترونیک به زبان شیرین و همه کس فهم فارسی فراهم شد.

شما به محتوای وبلاک های شخصی نگاه کنید، هیچ کس نگران درست بنویسم نیست! شما به رسم الخط نشریات رنگارنگ و به محتوای کتاب های علمی نگاه کنید، هیچ کس نگران درست بنویسم نیست. حتی صدا و سیما هم رسالت خودش را در ارائه برنامه «پارسی را پاس بداریم» از یاد برده است. این سؤال مطرح می شود، وقتی بزرگسالان می توانند به راحتی و با رسم الخط دلخواه شان بنویسند و هیچ کس هم به آن ها ایراد نمی گیرد، چرا باید این قدر وقتی در مدرسه و کلاس بچه های خودمان را تحت فشار تدریس املا و ملال حفظ کردن لغات و یادگیری و رعایت قواعد درست بنویسیم قرار می دهیم؟ واقعاً دنبال چه هدف هایی هستیم؟

آنچه که از تجربه پیشینیان مان می آموزیم این است که، فهم محتوا،

نام مدرسه	
نام معلم	
نام کلاس	
نام گروه	
اعضای گروه :	
نماینده گروه:	
منابع مورد استفاده :	در این قسمت، منابعی که اعضای گروه برای این کارگروهی با خود به کلاس آورده اند، قید می گردد.
آنچه می دانیم؟	در بخش، آنچه می دانیم؟ دانش آموزان اصول کلی که در درست نوشتن باید مراعات شود، به زبان خودشان می نویسند.
آنچه نمی دانیم؟	در بخش، آنچه نمی دانیم؟ روش تصحیح املا و عین غلط هایی که اعضای گروه مرتکب شده اند (بدون قید نام) می نویسند.
بایستی ما:	در بخش، بایستی ما: دانش آموزان با راهنمایی معلم کلاس، راه هایی را به عنوان تکالیف فردی یا گروهی برای کسب مهارت درست نوشتن خودشان تعیین می کنند (ممکن است برای همه اعضای گروه یک تکلیف یا برای هر فرد تکلیف خاصی پیشنهاد شود یا معلم برای برطرف کردن هر خطای نوشتاری یک تمرین خاصی توصیه نماید) در این مرحله افراد خارج از گروه، حتی معلم نباید بدانند که کدام یک از دانش آموزان عضو گروه، این خطاها را مرتکب شده اند.
بایستی شما:	در این بخش توصیه های معلم برای هر گروه یا فرد ارایی می شود.

مطالعات تکمیلی دانش آموزان به مرور باعث علاقمندی آن ها در یادگیری لغات و نوشتن املای صحیح کلمات می شود. این همان، فرضیه ای است که باید با همت والای شما در کلاس درس تجربه، عملاً تأیید یا رد شود. به عبارت روشن تر، دانش آموزی که با متون ارتباط برقرار نکند، بر آن حاشیه ننویسد و پیرامون آن گفتگو و تجزیه و تحلیل و نقد و نظر نداشته باشد، فقط با شنیدن، خواندن، حفظ کردن لغات یا آشنایی با قواعد درست نویسی، نخواهد توانست، درست بنویسد. اگر با فشار امتحان و برای کسب نتیجه و نمره بالاتر املای صحیحی بنویسد، پس از امتحانات فراموش خواهد کرد. نتیجه آنکه باید روش هایی در تدریس املا و یادگیری ادب فارسی مورد توجه معلمان عزیز قرار گیرد که به دانش آموزان کمک کند با پیام مستتر در متون فارسی ارتباط برقرار کنند. یعنی اگر متن درسی یک قطعه ادبی باشد باید در اطراف نویسنده اثر و سایر آثارش مطالعات جنبی داشته باشند. نقد ادبی بخوانند، پیرامون اثر بحث و تبادل نظر داشته باشند و در کنار معانی لغوی به معانی ماهوی درون اثر وارد شوند و اگر یک متن تاریخی باشد، باید به جنبه های تاریخی متن که در دانش آموز احاطه ادبی و تاریخی ایجاد می کند، توجه شود.

به نظر می رسد برای آماده کردن بچه ها برای ایجاد مهارت در درست نوشتن، باید مراحل زیر حداقل در سه جلسه مورد توجه قرار گیرد:

۱. معلم باید اصول درست نویسی و روش تصحیح املا را به دانش آموزان تدریس کند. نه این که املا بگوید و سپس با تصحیح و نمره دانش آموز را متوجه قواعد درست نوشتن نماید. نه این که «راز» درست نوشتن را از آن ها پنهان نگهدارد! و با نمره نادانی و ناتوانی آن ها را به رخ شان بکشد و فهم شان را نادیده بگیرد.

۲. معلم باید با کمک مربی بهداشت، قدرت شنوایی دانش آموزان خود را آزمایش کند و در موارد نادری، کم شنوایی آن ها را تا درمان قطعی پی گیری نماید. در نیایی که با آلودگی صوتی مواجه ایم، این عجیب نخواهد بود که بچه های زیادی مشکل شنوایی داشته باشند.

۳. خواندن متن های بیشتر و شنیدن صداهای گوناگون (به صورت شفاهی یا از طریق سیستم های صوتی و تصویری و... کمک می کند که مهارت های شنیدن دانش آموزان تقویت شود.

۴. هر یک از دانش آموزان یک کتاب، نشریه یا متنی را به عنوان موضوع کارگروهی انتخاب، مطالعه و به کلاس می آورد.

۵. دانش آموزان کلاس به گروه های ۵ نفری تقسیم می شوند.

۶. هر گروه یک متن از میان مطالبی که اعضای گروه با خود به کلاس آورده اند در حد یک پاراگراف انتخاب و نماینده گروه ها هر کدام به ترتیب متن انتخابی خود را به کلاس عرضه می کنند. (در این تجربه هدف این است که دانش آموزان به خواندن متن های غیر درسی عادت کنند).

۱-۶- معلم می تواند متن انشای یک دانش آموز را (بی نام) به عنوان متن درس «درست بنویسم» مورد استفاده قرار دهد. (هدف از این تجربه آن است که دانش آموزان در شنیدن و نوشتن کلمات و جملات نا آشنا و تصادفی آشنا شوند، و یک متن تجربی، برای تمرین روی قواعد درست نویسی در اختیار داشته باشند. و یاد بگیرند که می توان به راحتی نوشت و سپس در آرامش با مشارکت دیگران آن را تصحیح کرد، (کاری که عملاً بزرگسالان تحت عنوان ویرایش متن یا ویراستاری انجام می دهند، یکی می نویسد و دیگری در آن را از غلط های ادبی، املایی و علمی و... ویرایش می کنند و ما آن را از فرزندمان دریغ می کنیم).

۲-۶- معلم می تواند متن تمرینی را، از طریق یک نوار صوتی در اختیار کلاس قرار دهد. (هدف از این تجربه آن است که بچه ها به درست شنیدن، درست نوشتن به روش های مختلف عادت کنند).

۳-۶- همه دانش آموزان باید ۶ پاراگراف (هر گروه ۱ پاراگراف) + (یک پاراگراف به انتخاب و با قرائت خود معلم) را به عنوان متن املای خود بنویسند. هدف این است که در دانش آموزان اعتماد به نفس در نوشتن هر چیزی که می خوانند، می شنوند یا به آن فکر می کنند، ایجاد شود.

(توجه: اندازه پاراگراف ها باید متناسب با زمان کلی کلاس بین حداقل ۳ و حداکثر ۵ خط باشد).

۱- دانش آموزان در کارگروهی خود، املاهای خود را با استفاده از اصول تدریس شده تصحیح می نمایند. و گزارش کار گروه خود را با استفاده از فورمت

ذیل که معلم در اختیار آن ها قرار می دهد به کلاس ارائه می دهند. (هدف این است که هر دانش آموزی به تنهایی، فرصتی پیدا کنند که به خطای خودش پی ببرد، قبل از آنکه به عنوان دانش آموزی که بلد نیست درست بنویسد- بی سواد، تنبل است یا کسی که همشیشه نمره تک می گیرد، شهره خاص و عام شود- فرصتی برای یادگیری مستقل خود پیدا کند)

۲- با کمک معلم و گزارش های گروهی، یک متن بدون غلط به عنوان محصول نهایی کلاس تولید شده و در اختیار تک تک دانش آموزان قرار می گیرد.

۱-۸- (متن توسط یک دانش آموز به تابلوی کلاس منتقل شده و توسط دانش آموزان تصحیح می شود. یا با استفاده از کپی یک نسخه تصحیح شده در اختیار همه دانش آموزان قرار می گیرد.

۲-۸- معلم می تواند اصلاحات مورد نظر را با انتخاب گروه هایی که کمترین خطا را داشتند به کلاس ارائه کند و هر کدام از دانش آموزان یادداشت برداری شخصی کنند).

۳-۸- برای تولید یک متن نهایی بدون غلط می توانید به نوبت به هر گروه فرصت دهید یک پاراگراف صحیح شده را ارائه کند و اگر گروه های دیگر غلط های آن گروه را کشف کنند امتیازی به آن ها داده شود. در این مرحله از دادن نمره پرهیز کنید.

۳- در روز دوم، عین این تجربه تکرار می شود. اگر میزان غلط های دانش آموزان در جلسه اول کم باشد، باید متن های جدید مورد استفاده کلاس قرار گیرد، در غیر این صورت در جلسه دوم، نتایج مطالعات تکمیلی دانش آموزان در مورد متن قبلی مورد استفاده قرار می گیرد. در هر صورت معلم متن پاراگراف خود را با توجه به خطاهای دانش آموزان در جلسه قبل تنظیم کرده و در جلسه ارائه می دهد.

در گذشته هم معلم و هم دانش آموزان

هدفشان از گفتن و نوشتن درس،

یادگیری و فهم محتوای درس و تألیف متون بود.

مهارت درست نوشتن، پس از تسلط و فهم درس

به مرور در دانش آموزان ایجاد می شد.

دانش آموزان برای یادگیری و حرکت به سوی آینده تشویق شوند.

با آنچه شرح اش گذشت معلوم می شود که «دیکته» معادل خوبی برای «املا» نیست، اما نشانگر همان روش هایی است که در آموزش و پرورش کشورمان مرسوم است. پیام اصلی کاری که سرکارخانم اسماعیلی با طرح مسئله و تجربه عملی شان ضرورت توجه به آن را به خوبی نشان داده اند. این است که: اگر می خواهید به روش «املا» کار کنید، باید در اهداف و روش های تدریس املا فارسی خود تجدید نظر اساسی کنید. اکنون که ویراست دهم سند توسعه آموزش و پرورش و ویراست دوم سند برنامه درسی ملی منتشر شده است، این امر خود نشانگر آن است، فضا برای طرح مسئله و تجزیه و تحلیل چنین مسائلی فراهم شده است. شما می توانید با استفاده از فرصت پیش آمده و ارایه نقد و نظر خود در این کار خطیر مشارکت فرمایید.

هدف از درس املا چیست؟

چرا ماصاراداری به دانش

آموزان در سست بنویسند؟

چرا دانش آموزان دورمه های

مختلف به مرور از مهارت در سست

نوشتن فاصله می گیرند؟ و در

شرایط عملی و واقعی غالباً بی

دقت و غلط می نویسند؟

آیادامه همین روش های

مرسوم مورد تأیید است؟ یا باید

در اهداف و شیوه های یادگیری

آن تغییرات اساسی به وجود آید؟

پیشنهادی برای شما:

به نظر شما رابطه دو درس «املا» و «انشا» با هم چگونه است؟ باید با هم در یک جلسه تدریس شوند؟ یا بهتر است هر کدام در جلسه های مستقل تدریس شود؟ اول انشا بعد املا یا برعکس؟ هر دو درس توسط یک معلم؟ هر دو در یک روز یا یک ساعت؟ هیچ ارتباطی بین آن ها نیست؟ یا...

نشان داده خواهد شد، با رضایت دانش آموزان که ممکن است فقط بر اثر تغییر روش نشان داده شود، املا بگویند و از دانش آموزان بخواهید: این بار با اعتماد بنفس بنویسند و با شجاعت غلط های نوشتاری خودشان را کشف کنند و از غلط نوشتن نهراسند. در این صورت آن ها فرصت می یابند که مستقلاً عمل کرد و توان خود را ارزیابی کرده و در برطرف کردن خطاهایشان بکوشند. اگر چنین کاری را تجربه کردید، حتماً آن را به دقت مستند کرده و در اختیار سایر همکارانتان بگذارید که استفاده کنند. من یک معلم ادبیات نیستم و به همین علت با دشواری های کار شما از نزدیک آشنا نیستم و نمی دانم این نقدها و ایده ها چقدر اعتبار دارد و عملاً چه تأثیری در بهبود یادگیری دانش آموزان شما ایفا می کند. برای نگارش تجربه خودتان هیچ آدابی نجوید، نگران رسم الخط و نمره قبولی هم نباشید، همه روش هایی که به روش های تدریس یا الگوهای تدریس شهرت یافته اند، به همین سادگی ساخته و پرداخته شده اند و به مرور بر اثر تکرار در موقعیت های مختلف با نظریه های یادگیری و داشته های سایر علوم ترکیب و تزیین یافته اند. و ما نمی توانیم آن ها را از جایی خریده و برای درمان دردهای تدریس خودمان استفاده کنیم. ما باید مسایل خاص خودمان را طرح کنیم، ایده های ساده خودمان را بسازیم و به مرور به سمت تجربه های سطح بالاتر علمی گام برداریم.

یک روش فعال، برای تدریس املا فارسی

- از دانش آموزان بخواهید متن درس مورد نظر شما را بخوانند.
- پیرامون آن با دیگران مذاکره یا با مراجعه به اشخاص یا منابع تکمیلی مطالعه کنند.
- در یک صفحه، نظر یا گزارش یا میزان فهم خودشان را مکتوب کرده و به صورت شفاهی در کلاس ارایه نمایند و گزارش مکتوب خود را، پس از جمع آوری نظرات سایر دانش آموزان مکتوب کرده و به معلم ارایه دهند.
- دانش آموز، می تواند گزارش کتبی خود را با کمک معلم یا دیگر دانش آموزان کلاس یا اولیای خود، تنظیم کرده و سپس ارایه دهد.
- معلم می تواند، متن گزارش مکتوب دانش آموز را به عنوان یک سند رسمی، در دفتر املا کلاس ثبت کرده و به آن نمره بدهد. این نمره باید به ۱.۱ املا صحیح، ۲. فهم، ۳. زیبایی ادبی، ۴. خوش خطی، ۵. سایر جنبه هایی که قبلاً با دانش آموزان کلاس روی آن تفاهم می شود، به دانش آموز داده شود.
- دانش آموزان باید قبلاً به شیوه های نمره دهی معلم خود آشنا باشند. معلم می تواند از گروه های دیگر بخواهد که گزارش های انفرادی را، از لحاظ املائی، دستوری و رسم الخط و زیبایی شناسی و خوش نویسی ارزیابی کرده و به آن نمره بدهند.
- دانش آموزان باید قادر باشند متناسب با پیشرفت شان نمرات قبلی خود را ترمیم کنند. و نمره انتهایی مبنای قضاوت معلم قرار گیرد، تا

۴- در روز سوم، از روش های غیرمتداول مثل خواندن از روی نشریه، متن کتاب درسی غیردرسی، به کارگیری ضبط صوت، یا دعوت از یکی از سایر مربیان مدرسه برای ارایه متن املا و روش های ابتکاری دیگر استفاده می شود.

۵- از جلسه چهارم دانش آموزان باید قادر باشند هر نوع متنی را به راحتی و با اصول صحیح بنویسند و تصحیح کنند. اگر با متن غلطی مواجه شدند به تنهایی آن را تصحیح کنند. در هر فصل تکرار چنین تجربه ای توصیه می شود.

۶- برای استخراج اصول نگارش می توانید از کتاب راهنمای معلم یا مقالاتی که در این زمینه وجود دارد استفاده کنید. لطفاً فقط به دانسته های خودتان تکیه نکنید، چون این قواعد در هر دوره ای دچار تغییر و تحول می شود.

۷- در مواردی که دانش آموزان زیاد خطا دارند برنامه ویژه ای طراحی و تجربه کنید.

چند توصیه کاربردی:

- شما می توانید، این ایده ها را جدی گرفته و در یک جلسه تجربه کنید، تجربه بالاترین آموزگار شما است. آن وقت طرح تجربی خودتان را در نقد روش های مرسوم و با نظر همکارانتان تنظیم کرده و مجدداً تجربه کنید.
- اما می توانید این ایده ها را، قبل از اجرا مورد تردید قرار داده و پس از تجدید نظر، تطبیق آن با شرایط کاری خودتان، طرحی نو در اندازید و طرح مستقل خودتان را تجربه کنید.
- ممکن است قبل از گام گذاشتن در صحنه اجرا، این ایده های خام را با همکارانتان در میان گذاشته و سپس به صورت گروهی، طرحی را برای اجرا تدوین کنید. در این صورت حتماً از آن ها بخواهید که کار شما را قبل و حین و پس از اجرا ارزیابی و نتایج را کتبا به شما گزارش کنند. با مقایسه نتایج اجرای یک طرح واحد توسط چند معلم در چند کلاس یا مدرسه دیگر می توانید اعتبار طرح مشترک تان را بالا ببرید.
- بهتر است که اجرای چنین طرحی را به همکارانتان پیشنهاد کرده و با نظر آن ها طرح کاملی را تنظیم کنید و همزمان در چند کلاس یا مدرسه آن را تجربه کنید و آنوقت نتایج را با هم مقایسه کنید.
- در هر صورت، اگر مشکلی ندارید، و از کارتان راضی هستید و دانش آموزان شما هم از نحوه کار شما راضی هستند و نتایج امتحانی قابل قبولی دارید، من توصیه نمی کنم که دست به تغییری بزنید. برای تغییر یا باید مسئله داشته باشید یا آنچه جریان دارد مورد رضایت شما یا دانش آموزان شما نباشد. یا به سطح بالاتری از یادگیری بیاندیشید. بعضی وقت ها تکرار ملال آور خواهد بود، ولی لزوماً ممکن است غلط نباشد. و در مقابل، پیشنهاد هر تغییری، لزوماً نباید به معنی انجام کار صحیح تلقی شود. هر تغییری ممکن است پس از مدتی به همان نتایج گذشته بازگشت کند.
- برای ارزیابی میزان موفقیت تان و اعتبار روشی که تجربه کردید، می توانید به جای تکیه به تغییرات صوری که در نمرات کلاسی دانش آموزان